

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۹۸۲۱۹

دفتر مرکزی - کوی دانشگاه تهران
تهران، خیابان ولیعصر

شماره سند:	۳۴
تاریخ:	۲۴
شماره ثبت:	۸۵۲۲۱

دانشگاه پیام نور

مرکز تهران

پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی

موضوع:

بررسی رابطه بین هویت و سلامت روانی در

بین دانشجویان ۲۴-۲۱ ساله دانشگاه تبریز

استاد راهنما:

دکتر فرهاد شقاقی

استاد مشاور:

دکتر مهران فرج الهی

پژوهشگر:

عیسی پیری

زمستان ۸۴

۹۵۷۱۹

فهرست مطالب

	فهرست مطالب
	فهرست جداول
	فهرست نمودارها
	چکیده
	فصل اول: کلیات تحقیق
۲	مقدمه
۶	۱-۱- بیان مسئله
۱۱	۱-۲- اهمیت و ارزش تحقیق
۱۶	۱-۳- اهداف تحقیق
۱۷	۱-۴- فرضیه ها
۱۸	۱-۵- تعریف اصطلاحات
۱۸	۱-۵-۱- هویت
۲۰	۱-۵-۲- سلامت روانی
۲۴	۱-۵-۳- نوجوانی
	فصل دوم: ادبیات و پیشینه تحقیق
۲۹	مقدمه
۳۲	۲-۱- مراحل رشد
۳۴	۲-۱-۱- رشد در دوره های بعد از کودکی
۳۴	۲-۱-۲- مراحل روانی اجتماعی رشد و نیرومندیهای بنیادی
۴۵	۲-۱-۳- نوجوانی
۴۷	۲-۲- شکل گیری هویت
۵۰	۲-۲-۱- هویت و تعاریف مربوط به آن
۵۱	۲-۲-۲- حالات هویتی ماریسیا
۵۴	۲-۲-۳- توالی در حالات هویت
۵۵	۲-۲-۴- رشد احساس هویت و تلاش برای استقلال
۶۲	۲-۲-۵- انواع هویت
۶۹	۲-۲-۶- عوامل موثر بر شکل گیری هویت
۸۰	۲-۲-۷- تنوعات موجود در شکل گیری هویت

۸۲	۲-۲-۸- جنسیت و شکل گیری هویت
۸۴	۲-۳- تحقیقات انجام شده در مورد هویت و رابطه آن با سایر متغیرهای روانشناختی
۸۵	۲-۳-۱- رابطه هویت با عزت نفس
۸۵	۲-۳-۲- رابطه هویت با خودپنداره
۸۵	۲-۳-۳- رابطه هویت و پیشرفت تحصیلی
۸۵	۲-۳-۴- جنسیت و هویت
۸۶	۲-۳-۵- هویت و قضاوت اخلاقی
۸۶	۲-۴- سلامت روانی و تعاریف
۹۰	۲-۴-۱- گزیده تاریخچه سلامت روانی در ایران
۹۶	۲-۴-۲- اهمیت و دامنه، حدود و زیانبخشی بیماریهای روانی در جامعه
۹۷	۲-۵- تحقیقات انجام گرفته در مورد هویت و سلامت روانی
	فصل سوم: روش اجرای پژوهش
۱۰۴	مقدمه
۱۰۴	۳-۱- جامعه مورد مطالعه
۱۰۴	۳-۲- نمونه گیری
۱۰۴	۳-۲-۱- روش نمونه گیری
۱۰۶	۳-۳- روش و ابزار جمع آوری اطلاعات
۱۰۷	۳-۳-۱- پرسش نامه سنجش حالات هویت بنیون و آدامز
۱۱۱	۳-۳-۲- پرسش نامه ۲۸ سوالی سلامت عمومی گلدبرگ و هیلر
۱۱۶	۳-۴- روش تحقیق
۱۱۷	۳-۵- متغیر های تحقیق
۱۱۷	۳-۶- روشهای آماری
	فصل چهارم: یافته های پژوهش
۱۱۹	مقدمه
۱۱۹	۴-۱: توصیف داده ها
۱۲۴	۴-۲- تحلیل داده ها
۱۳۰	۴-۳- یافته های جنبی تحقیق
	فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری
۱۳۲	مقدمه
۱۳۲	۵-۱- خلاصه

۱۳۳

۱۴۰

۱۴۰

۱۴۲

۱۴۲

۵-۲ بحث و نتیجه گیری

۵-۳- پیشنهادات

۵-۳-۱ پیشنهادات کاربردی

۵-۳-۲ پیشنهادات پژوهشی

۵-۴- محدودیتهای تحقیق

منابع و مأخذ

الف: منابع فارسی

ب: منابع انگلیسی

پیوستها

شماره ۱: پرسشنامه سنجش حالات هویت بنیون و آدامز

شماره ۲: پرسشنامه سلامت عمومی گلدبرگ و هیلر

Abstract

فهرست جداول

جدول ۱-۲ مراحل رشد روانی اجتماعی اریکسون

جدول ۱-۳ درصد تعداد دانشجویان پسر و دختر ۲۴-۲۱ ساله دانشگاه تبریز در سال تحصیلی ۸۳-۸۴

جدول ۲-۳ تعداد افراد نمونه براساس جنسیت، گروه، و رشته تحصیلی

جدول ۱-۱-۴ فراوانی دانشجویان به تفکیک جنسیت

جدول ۱-۲-۴ فراوانی دانشجویان به تفکیک گروه تحصیلی

جدول ۱-۳-۴ توزیع فراوانی دانشجویان بر حسب سن

جدول ۱-۴-۴ توزیع پراکندگی نمرات دانشجویان در خرده مقیاسهای آزمون هویت

جدول ۱-۵-۴ توزیع پراکندگی نمرات دانشجویان در آزمون سلامت عمومی

جدول ۱-۶-۴ میانگین، انحراف استاندارد و خطای معیار نمرات دانشجویان در خرده مقیاسهای آزمون

هویت به تفکیک جنسیت

جدول ۱-۷-۴ میانگین، انحراف استاندارد و خطای معیار نمرات دانشجویان در آزمون سلامت عمومی به

تفکیک جنسیت (نمرات حاصل از کل مولفه های آزمون سلامت عمومی)

جدول ۱-۸-۴ میانگین، انحراف استاندارد و خطای معیار نمرات دانشجویان در مولفه های چهارگانه آزمون

سلامت عمومی به تفکیک جنسیت:

جدول ۲-۱-۴ میانگین و انحراف استاندارد نمرات دانشجویان در متغیرهای سلامت عمومی و هویت موفق

جدول ۲-۲-۴ سطح معناداری و همبستگی نمرات دانشجویان در متغیرهای سلامت عمومی و هویت موفق

جدول ۲-۳-۴ میانگین و انحراف استاندارد نمرات دانشجویان پسر در متغیرهای سلامت عمومی و هویت

موفق

جدول ۲-۴-۴ سطح معناداری و همبستگی نمرات دانشجویان پسر در متغیرهای سلامت عمومی و هویت

موفق

جدول ۲-۵-۴ میانگین و انحراف استاندارد نمرات دانشجویان دختر در متغیرهای سلامت عمومی و هویت

موفق

جدول ۲-۶-۴ سطح معناداری و همبستگی نمرات دانشجویان دختر در متغیرهای سلامت عمومی و هویت

موفق

جدول ۲-۷-۴ میانگین و انحراف استاندارد نمرات دانشجویان در متغیرهای سلامت عمومی و هویت به

تعویق افتاده

جدول ۴-۲-۸ سطح معناداری و همبستگی نمرات دانشجویان در متغیرهای سلامت عمومی و هویت به تعویق افتاده

جدول ۴-۲-۹ میانگین و انحراف استاندارد نمرات دانشجویان پسر در متغیرهای سلامت عمومی و هویت به تعویق افتاده

جدول ۴-۲-۱۰ سطح معناداری و همبستگی نمرات دانشجویان پسر در متغیرهای سلامت عمومی و هویت به تعویق افتاده

جدول ۴-۲-۱۱ میانگین و انحراف استاندارد نمرات دانشجویان دختر در متغیرهای سلامت عمومی و هویت به تعویق افتاده

جدول ۴-۲-۱۲ سطح معناداری و همبستگی نمرات دانشجویان دختر در متغیرهای سلامت عمومی و هویت به تعویق افتاده

جدول ۴-۲-۱۳ میانگین و انحراف استاندارد نمرات دانشجویان در متغیرهای سلامت عمومی و هویت ضبط شده

جدول ۴-۲-۱۴ سطح معناداری و همبستگی نمرات دانشجویان در متغیرهای سلامت عمومی و هویت ضبط شده

جدول ۴-۲-۱۵ مقیاسهای چندگانه در مورد معنادار بودن تفاوت بین میانگین های خرده مقیاسهای آزمون هویت به تفکیک جنسیت

جدول ۴-۲-۱۶ مقیاسهای چندگانه در مورد معنادار بودن تفاوت بین میانگین نمرات دانشجویان در آزمون سلامت عمومی به تفکیک جنسیت

جدول ۴-۲-۱۷ مقیاسهای چندگانه در مورد معنادار بودن تفاوت بین میانگینهای بخشهای مختلف آزمون سلامت عمومی به تفکیک جنسیت

فهرست نمودارها

نمودار ۱-۱-۴ درصد فراوانی دانشجویان به تفکیک جنسیت

نمودار ۲-۱-۴ درصد فراوانی دانشجویان به تفکیک گروه تحصیلی

نمودار ۳-۱-۴ توزیع فراوانی دانشجویان بر حسب سن

نمودار ۴-۱-۴ میانگین نمرات دانشجویان در خرده مقیاسهای آزمون هویت به تفکیک جنسیت

نمودار ۵-۱-۴ میانگین نمرات دانشجویان در آزمون سلامت عمومی به تفکیک جنسیت

نمودار ۶-۱-۴ میانگین نمرات دانشجویان در مولفه های آزمون سلامت عمومی به تفکیک جنسیت

تقدیر و تشکر

اکنون که به لطف پروردگار توفیق یافته ام تا این دوره از فراگیری علم و دانش را طی کنم، لازم می دانم از مادر عزیزم که از ابتدای زندگی تاکنون همواره از کوچکترین کمکی در پیشرفت و تعالی ام دریغ ننموده و از خواهران و برادران عزیزم که در تمامی مراحل زندگی پشتیبانم بوده اند سپاسگذاری کنم.

از کلیه اساتید ارجمندی که در طول این دو سال از محضرشان کسب فیض نموده ام تشکر می کنم.

از استاد ارجمند و بزرگوارم جناب آقای دکتر شقاقی و اساتید گرامیم دکتر فرج الهی و دکتر زارع که با راهنماییهایشان مرا در اجرای این پروژه یاری کرده اند تشکر می کنم.

نام خانوادگی: پیری	نام: عیسی
موضوع پژوهش: بررسی رابطه بین هویت و سلامت روانی در بین دانشجویان ۲۱ الی ۲۴	
ساله دانشگاه تبریز	
استاد راهنما: دکتر فرهاد شقاقی	استاد مشاور: دکتر مهران فرج الهی
پایان نام برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد	
رشته: روانشناسی عمومی	دانشگاه: پیام نور مرکز تهران
واژگان کلیدی: هویت - سلامت روانی - دانشجوی	
شماره صفحات: ۱۴۰ صفحه	

چکیده:

موضوع پژوهش حاضر بررسی رابطه بین هویت موفق و سلامت روانی در بین دانشجویان ۲۱-۲۴ ساله دانشگاه تبریز است.

هدف تحقیق حاضر بررسی رابطه هویت فردی و سلامت روانی در بین دانشجویان ۲۱-۲۴ ساله دانشگاه تبریز است. روش تحقیق از نوع همبستگی است. تجزیه و تحلیل داده های خام با استفاده از نرم افزار SPSS انجام شد. در این تحقیق برای بررسی فرضیه ها از روش همبستگی پیرسون و روش t استودنت برای گروههای مستقل استفاده شد.

۲۸۰ نفر از دانشجویان دختر و پسر (۱۲۶ نفر دانشجوی پسر و ۱۵۴ نفر دانشجوی دختر) در محدوده ۲۱-۲۴ ساله از دانشجویان دانشگاه تبریز انتخاب شدند. روش نمونه گیری در این تحقیق روش خوشه ای چند مرحله ای بود. شیوه جمع آوری اطلاعات با استفاده از دو پرسشنامه الف) سنجش حالات هویتی بنیون و آدامز و ب) پرسشنامه ۲۸ سوالی سلامت عمومی (GHQ-28) بود. در این پژوهش ۱۰ فرضیه وجود داشتند که فرضیه اصلی عبارت است از: بین هویت موفق و سلامت روانی دانشجویان رابطه مثبت وجود دارد.

فرضیه های دیگر برای بررسی تاثیر جنسیت بر روی خرده مقیاسهای هویت موفق و هویت به تعویق افتاده و همچنین برای بررسی تفاوت بین نمرات دانشجویان دختر و پسر در مولفه های چهارگانه آزمون هویتی و آزمون سلامت عمومی است.

فرضیه های اصلی تحقیق در سطح معنی داری ۹۵٪ تأیید شد.

رابطه معنی داری بین هویت به تعویق افتاده و سلامت روانی مشاهده نشد در این رابطه جنسیت بی تاثیر بود تفاوت معنی داری در خرده مقیاسهای هویت ضبط شده و هویت به تعویق افتاده در بین دانشجویان پسر و دختر دیده شد و همچنین تفاوت معنی داری در مولفه افسردگی در آزمون سلامت عمومی بین نمرات دانشجویان پسر و دختر دیده شد.

فصل اول:

طرح تحقیق

وقایع دوران کودکی و نوجوانی نقش مهمی در چگونگی زندگی بزرگسالی دارد. هر چند به دلیل پیچیدگی رشد نمی توان با مطالعه دوران کودکی تصویر کاملاً روشنی از چگونگی سالهای جوانی و بزرگسالی ارائه داد؛ اما رشد آدمی تا سالها ی بلوغ آثار فوق العاده مهم و اساسی در تداوم زندگی بعدی دارد. به بیان دیگر، رشد در طول زندگی یک جریان مداوم و تحول یابنده است. آنچه ثابت است وقوع تغییرات دائمی است و مهمترین تغییر و تحولاتی که در هر دوره از رشد واقع می شود آثار مهمی را در دوره دیگر به جای می گذارد. نوجوانی یک دوره انتقالی از وابستگی کودکی به استقلال و مسؤولیت پذیری جوانی و بزرگسالی است. در این دوره نوجوان با دو مسأله اساسی درگیر است؛ بازنگری و بازسازی ارتباط با والدین و بزرگسالان و جامعه، و بازشناسی و بازسازی خود به عنوان یک فرد مستقل. رفتار فرد در این دوره گاه کودکانه و گاه همانند بزرگسال است. در طول این دوره معمولاً تعارضی بین این دو نقش در فرد مشاهده می شود.

معیار اصلی قضاوت مردم درباره بلوغ بیشتر همان تحولات جسمی و جنسی فرد است. این قضاوت تا اندازه ای درست است، زیرا جریان تغییرات بیوشیمیایی جدید از آغاز دهه دوم زندگی به تغییر در اندازه و شکل و عملکردهای بدن می انجامد. عمده ترین تغییر در این دوره رشد ظرفیت جدید، یعنی رشد جنس و امکان تولید مثل زیستی است. این واقعیت زیستی آثار مهمی را در تحول فرد و مناسبات او با دیگران به جای می گذارد. با این همه، دوره نوجوانی را نمی توان تنها با تحولات جسمی و جنسی تعریف کرد. میلر نیوتون^۱ در کتاب نوجوانی (۱۹۹۵، ص ۲۳) تعریف جامعتری از این دوره بیان می کند:

«نوجوانی دوره فرایندهای رشدی انتقال از کودکی به بزرگسالی است. این فرایندها جنبه های گوناگونی

دارند:

اول، رشد و نمو سازمان عصبی مغز که نمود که آن در تحول فرایندهای شناختی، عاطفی و رفتارها

مشاهده می شود؛

دوم، رشد فیزیکی که شامل رشد اندازه های بدنی و تغییر در نیمرخ جسمی است؛

سوم، رشد نظام جنسی یا تولید مثل، شامل جسمی و رفتاری؛

چهارم، رشد احساس «خود»^۱ به عنوان یک بزرگسال یا یک انسان مستقل و خود راهبر؛

پنجم، کسب موقعیت بزرگسالی در گروه اجتماعی یا فرهنگ؛

ششم، رشد کنترل رفتاری خود در تعامل با جامعه».

نوجوانی رهایی از وابستگیهای کودکانه به والدین و بزرگسالان و دستیابی به استقلال و خودکفایی در عرصه های گوناگون زندگی است. این استقلال شامل تأمین اقتصادی و کسب دانش و مهارتهای کافی برای پاسخگویی به الزامات بزرگسال بودن در جامعه است. رشد فرد در این دوره باعث می شود که بتواند وارد داد و ستدهای اجتماعی با بزرگسالان بشود و امکان رابطه صمیمانه جنسی با جنس مخالف را نیز به دست آورد. این دوره با توانایی شیوه های رضایت بخش عمل در برخورد با گروههای مختلف (از خانواده تا کل جامعه) همراه است.

رشد دوره نوجوانی تا حدی مستقیماً نتیجه بلوغ جسمی و تا حدی دیگر ناشی از انتظارات و رفتار خانواده و جامعه و فرهنگ است. اگر چه بلوغ جسمی و جنسی محرک فرایند انتقال به بزرگسالی است، اما ساختار اجتماعی و فرهنگی است که واسطه این انتقال است. بلوغ اساساً در مغز رخ میدهد و مغز به عنوان عضو جهت دهنده رشد و رفتار انسان است. مغز، به غیر از هدایت رشد و نمو بدن و نظام باز تولید، فرماندهی رفتار کودک برای جدایی از وابستگی و حرکت به سوی استقلال را بر عهده دارد؛ اما بدون تردید، عملکرد مغز متأثر از عواملی مانند جریانهای هورمونی، سازمان روانی فرد و زمینههای اجتماعی و فرهنگی است. (لطف آبادی، ۱۳۷۸)

فرایند انتقال از کودکی به بزرگسالی، دشوار و پر کشمکش است. نوجوان از یک سو با سرعت بی سابقه ای بلوغ جسمی و جنسی را می گذراند و از سوی دیگر خانواده و فرهنگ و جامعه از او می خواهند تا مستقل باشد، روابط جدیدی را با همسالان و بزرگسالان برقرار کند و آمادگیها و مهارتهای لازم را برای زندگی شغلی و اجتماعی به دست آورد. نوجوانان باید علاوه بر پذیرش و سازگاری با این همه تغییر و تحول، هویت^۲ منجمدی نیز برای خود کسب کنند و پاسخ مشخص و اختصاصی به آن سولات دشوار و قدیمی بدهند که "من

1- Ego

2- Identity

کیستم؟"، " جای من در هستی کجاست؟"، " از زندگی خود چه می خواهیم؟". این تغییر و تحولات و یافتن پاسخ نسبتاً قطعی به این سوالات و دستیابی به هویت خود چند سال طول خواهد کشید. (لطف آبادی، ۱۳۷۸)

رشد مغز و تواناییهای شناختی نوجوان با درونی شدن حیات عاطفی و ارتباط عمیق تر با گروه همسالان، جدایی بیشتر خصوصیات روانشناسی نوجوان و باورها و ارزشهای او از والدین و بزرگسالان را به بار می آورد. این جدایی هر چند بندرت جنبه جدایی مکانی نوجوان با والدین و بزرگسالان را پیدا می کند، اما عملاً یک جدایی روحی، فکری، ارزشی و رفتاری است و زمینه های ذهنی استقلال را برای او فراهم می آورد. در همین مرحله انسجام جنبه های مختلف بدنی و جنسی و تصور از خویش به صورت هویت واحد شکل می گیرد و پاسخگویی به سوال اساسی "من کیستم؟" بتدریج در ذهن نوجوان تحقق می یابد. نوجوانان متعلق به خانواده های از هم پاشیده و محیطهای اجتماعی-فرهنگی ناسالم به دلیل فقدان شرایط مناسب برای شکل گیری هویت و شخصیت مطلوب دچار نابهنجاریها و انحرافها می شوند و در خطر ورود به بزهکاریهای نوجوانی و یا سایر اختلالهای گوناگون شخصیتی قرار می گیرند. (احدی و محسنی، ۱۳۸۲)

در مرحله نوجوانی علاوه بر مساله رشد شخصیتی و اخلاقی یک نیاز اساسی دیگر، یعنی کسب دانش و مهارتهای لازم برای اشتغال یا برای ادامه تحصیل، به عنوان یک نیاز مهم در تعلیم و تربیت نوجوانان مطرح می شود. ضرورت راهنمایی و مشاوره در این مرحله از هر زمان دیگری بیشتر است و ضروری است که بر همه جوانب رشد در این مرحله تأکید شود. رشد هماهنگ نوجوان در تمام زمینه ها و شکل گیری هویت منسجم و مستقل، ضرورتی انکارناپذیر در تعلیم و تربیت آن مرحله است. (احدی و محسنی، ۱۳۸۲)

محدوده سنی دوره نوجوانی:

دوره نوجوانی در انتهای دوره دوم کودکی و با بروز سریع تحولات آستانه بلوغ در سنین ۱۲ تا ۱۴ سالگی شروع می شود. پایان دوره نوجوانی، در مقایسه با اعصار پیشین تاخیر بیشتری دارد و این به دلیل پیچیدگی زندگی در عصر حاضر، الزامات ناشی از دوره های تحصیلی طولانی تر و مشکلات اقتصادی در آغاز زندگی شغلی است. اکنون در اکثر جوامع و بویژه در میان افراد شهرنشین، دوره تحصیلی نوجوانان طولانی تر شده است. دستیابی به استقلال اقتصادی دیرتر حاصل می شود و جدایی از والدین و تشکیل زندگی مستقل با تاخیر قابل

توجهی همراه است. رسیدن به استقلال در موارد نسبتاً زیادی در ۲۰ الی ۲۵ سالگی امکان پذیر می شود به این ترتیب سالهای رشد نوجوانی که در گذشته بطور معمول در محدوده سنی ۱۲ تا ۱۸ سالگی قرار داشت، اکنون بویژه برای پسران ۴ تا ۶ سال افزایش یافته است و بنابراین محدوده سنی برای نوجوانی از ۱۷ تا ۲۵ سالگی در این تحقیق در نظر گرفته شده است. (لطف آبادی، ۱۳۷۸)

دستورالعملهای دینی و اسلامی درباره رشد دوره نوجوانی و جوانی: در نگرش اسلامی، دوره

نوجوانی با بلوغ جنسی آغاز می شود و فرد موقعی بالغ است که، به تعبیر قرآن، به حد نکاح و ازدواج ورشد برسد. دو آیه در قرآن کریم در این زمینه آمده است. اول در سوره نساء که در آن بلوغ اقتصادی با توانایی فردی برای باروری و دستیابی به رشد اجتماعی همراه است: "و ابتلوا الیتامی حتی اذا بلغوا النکاح فان آنستم منهم رشداً فادفعوا الیهم اموالهم" (نساء، ۶). از مفاد این آیه استنباط می شود که شرط استقلال اقتصادی - اجتماعی اولاً وصول به مرحله توانایی باروری، و ثانیاً دستیابی به رشد لازم برای اداره امور اجتماعی - اقتصادی خویش است. آیه دیگری از قرآن کریم، خروج از دوره کودکی و ورود به بلوغ و رشد را آغاز بزرگسالی به حساب می آورد: "ثم نخرجکم طفلاً ثم لتبلغوا اشدکم" (حج، ۵ به نقل از لطف آبادی، ۱۳۷۸).

نوجوانان به محبت و احترام نیاز دارند و از برخورد خشن با آنان باید اجتناب کرد. پیامبر اکرم (ص) فرموده اند: من شما را به نیکی کردن به جوانان سفارش اکید می کنم؛ زیرا قلب آنان انعطاف پذیرتر است، خداوند مرا بر انگیخت تا از انحرافات و خطاها پرهیز دهم و پویندگان راه کمال و سعادت را بشارت دهم، جوانان با من هم عهد شدند ولی سالخوردگان مخالفت کردن چون گذشت زمان دل آنان را سخت کرده بود (اوصیکم بالشبان خیراً فانهم ارق افئده، ان الله بعثنی بشیراً و نذیراً فحالفتی الشبان و خالفتی الشیوخ، فطال علیهم الامد ففست قلوبهم) (الحديث، ج ۱، ص ۳۴۹ به نقل از لطف آبادی، ۱۳۷۸).

امیرالمؤمنین علی(ع) جوانی را بسیار پراهمیت دانسته و بهره گیری از آن را توصیه کرده اند. ایشان می فرمایند: دو چیز است که اهمیت بسیار دارد و تا وقتی از دست نرفته است اهمیت آن ادراک نمی شوند: یکی جوانی و دیگری سلامتی (شیخان لایعرف فضلها الا من فقدهما الشباب والعافیة - غررالحکم، ص ۴۴۹). ایشان همچنین می گویند اگر فرزند را در چهارده سال اول زندگی خوب تربیت کرده باشید در سالهای بعد دوست شما خواهد بود وگرنه با شما دشمنی خواهد کرد (ولدک ریحانک سبعاً و خادمک سبعاً ثم هو عدوک او

صدیق-شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۳۴۳). ایشان، همچنین، جوانی را دوره از خود بیخودی و غرور دانسته و گفته اند: مستی چهارگونه است: مستی جوانی، مستی مال، مستی خواب و مستی سلطه و اقتدار (اصناف السكر اربعه: سكرالشباب و سكرالمال و سكرالنوم و سكرالملک-تحف العقول، ص ۱۲۶ به نقل از لطف آبادی، ۱۳۷۸).

در کتاب روانشناسی رشد تألیف دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (ص ۱۰۰۶-۱۰۳۷) خلاصه تعالیم اسلامی و ارزیابی اسلام از رفتار جنسی و احساس هویت جنسی چنین آمده است: "اسلام نه فقط علاقه جنسی و آثار ناشی از آن را به هیچ وجه پلید نمی داند؛ بلکه با ریاضت در امور جنسی و تجرد و عزوبت نیز سخت مبارزه کرده، ازدواج را مقدس و تجرد را پلید شمرده و برای تنظیم و تعدیل این علاقه کوشش کرده است... پیشوایان دین، درباره احساس هویت جنسی و درک شیوه شایسته به کارگیری معیارهای نقش جنسی، از آغاز تولد تا دوران جوانی و بزرگسالی، در روند زندگی فردی و اجتماعی و تشکیل خانواده، رهنمودهای زیادی ارائه فرموده‌اند و در روایات بسیار، بر ارزشمندی ویژگیهای هر یک از دو جنس در خدمت به یک دیگر تأکید شده و هر یک از افراد دو جنس را به در نظر گرفتن هویت جنسی و پایبندی به وظایف متناسب با مشخصات جنس خویش رهنمون ساخته اند!"

۱-۱- بیان مسئله

انسانها در جریان رشد خود مراحل مختلفی را پشت سر می گذارند که هیچکدام از اینها خالی از تغییر و تحول نیست هر مرحله از رشد تغییرات خاص خود را داراست.

یکی از مهمترین و حساس ترین مراحل زندگی فرد مرحله نوجوانی است. نوجوانی دوره پیچیده و پرمخاطره از رشد انسان است و در واقع صرف نظر از دوره نوزادی. در هیچ دوره ای از زندگی تغییراتی به اندازه دوره نوجوانی در فرد روی نمی دهد.

در طی این دوره نوجوان بلوغ را تجربه می کنند که بر رشد جسمانی، فیزیولوژیکی و روان شناختی تأثیر می گذارد. تغییرات قابل توجهی در مفهوم خود صورت می گیرد نوجوانان بحران هویت را تجربه می کنند مسایل و مشکلات عاطفی آنان افزایش می یابد با بی ثباتی عاطفی، دوگانگی احساس و تعارضات روانی از موانع بسیار

مهم در فرایند رشد شخصیت و سازگاریهای فردی و اجتماعی است. زمانی که این نیاز طبیعی (نیاز به تعادل و امنیت روانی) به نحو مطلوب تأمین نشود، افراد دچار تعارض و عدم امنیت روانی می‌گردند و بناچار بخش قابل توجهی از نیروی فکری خود را صرف حل مسایل اساسیتری خواهند کرد که ذهن آنها را اشغال نموده است. بحران هویت یکی از مهمترین بحرانهایی است که موفقیت و شکست در آن در رشد و رسیدن انسان به کمال تأثیر میگذارد نتیجه حل ناتمام این بحران را در انسانهای بیشماری که ظاهراً در جنبه جسمانی رشد خوبی دارند ولی با اندک فشار و کشمش از هم گسیختگی شخصیت شده و کارایی خود را از دست می‌دهند می‌توان مشاهده کرد (هنری ماسن و دیگران، ۱۹۹۶، ترجمه: مهشید یاسایی، ۱۳۸۰)

نوجوانان و بزرگسالانی که احساس هویت خود در آنان قوی است خود را افرادی مجزا و متمایز از دیگران می‌دانند. کلمه فرد که معادل کلمه شخص است، نشانگر نیازی است همگانی، به درک خود به عنوان کسی که به رغم داشتن چیزهای مشترک با دیگران از آنها جداست. نیاز به ثبات رأی و حس یکپارچگی نیز ارتباط نزدیکی با آن نیاز همگانی به درک خود دارد. وقتی که از انسجام عملی نیازها، انگیزه‌ها و الگوهای واکنش شخص نوجوان یا بزرگسال برای اینکه احساس هویت داشته باشد باید در طول زمان در خود تداومی ببیند. به قول اریکسون، نوجوان برای رسیدن به یکپارچگی باید احساس کند که آن چه بنا به قراین موجود در آینده خواهد شد تداوم پیشرفته آن چیزی است که در سالهای طفولیت بوده است.^۱ (اریکسون، ۱۹۵۶، ص ۹۱).

سرانجام اینکه، درک هویت خود مستلزم "تقابلی روانی اجتماعی"^۲ است به عبارت دیگر باید "بین آن تصویری که از خودش دارد و آن تصویری که از استنباط و انتظار دیگران از خودش دارد" هماهنگی ایجاد کند. تأکید اریکسون بر اینکه درک فرد از هویت خود دست کم تا حدودی، با واقعیت اجتماعی ارتباط دارد اهمیت بسیار دارد؛ اریکسون بر این مسئله تأکید می‌کند که طرد شدن از طرف افراد یا اجتماع ممکن است باعث شود که کودک از هیچ راهی نتواند در خود احساس هویتی قوی و مطمئن پیدا کند. (اریکسون، ۱۹۵۶، ص ۹۴).

1 - Erik Erikson
2- Psychosocial

در یک جامعه خاص، هویتها ممکن است معمولی یا منحرف باشد: فرد ممکن است در جستجوی نقشهای شغلی، اجتماعی و شخصی ای باشد که از او انتظار می رود جامعه آن را تأیید می کند و یا در جستجوی نقشهای خاص و غیر معمولی باشد. بعضی از نقشهای غیر معمولی مثبت و سازنده است، مانند مورد هنرمند یا شاعری که "راه دیگری را پیش میگیرد" و یا ممکن است منفی باشد مانند مورد کسی که معتاد است یا "جنایتکاری حرفه ای است". (کانجر^۱، ۱۹۷۷)

شکل دادن و پذیرفتن هویتمان، کاری دشوار و پر اضطراب است. نوجوانان باید نقش ها و ایدئولوژیهای مختلف را آزمایش کنند تا مناسب ترین آنها را تعیین نمایند. افرادی که با احساس هویت فردی نیرومندی از این مرحله بیرون می آیند، برای روبرو شدن با بزرگسالی به اطمینان و قطعیت مجهز هستند. آنهایی که در رسیدن به هویت منسجم ناکام می مانند که دچار بحران هویت می شوند، آنچه را که اریکسون «سر در گمی نقش»^۲ نامید نشان می دهند. آنها نمی دانند کی و چه هستند، به کجا تعلق دارند، یا به کجا می خواهند بروند. آنها ممکن است از صحنه عادی زندگی، تحصیل، شغل، ازدواج کناره بگیرند، همان گونه که اریکسون برای مدتی این کار را کرد، یا ممکن است در ارتکاب جرم یا مصرف مواد مخدر، هویتی منفی را بجویند. حتی یک هویت منفی (به گونه ای که جامعه آن را تعریف می کند) به بی هویتی ترجیح دارد، اگرچه به اندازه هویت مثبت رضایت بخش نیست. اریکسون به تأثیر بالقوه نیرومند گروههای همتا بر رشد هویت من در نوجوانی اشاره نمود. به نظر اریکسون، معاشرت بیش از اندازه با گروه ها و فرقه های افراطی و متعصب یا همانندسازی و سواسی با شمایل فرهنگی عامه می تواند رشد من را محدود کند (کوین^۳، ۱۹۹۶، ترجمه: فرید خدایی ۱۳۸۲).

نیرومندی بنیادی^۴ که به طور ایده آل در مدت نوجوانی پرورش می یابد. وفاداری است که از هویت من منسجم به دست می آید و وفاداری، صداقت، اصالت، و احساس وظیفه در روابطمان با افراد دیگر را در بر می گیرد.

1- Conger
2- Role Confusion
3- Kewin
4- Basic Strengths

شاید مهمترین دوره بروز بحران هویت دوران نوجوانی باشد چون دوران نوجوانی همانطوری که گفته شد دورانی است که فرد در میان دو دوره خاص واقع شده است؛ از سویی دوران کودکی و از سویی دیگر دوران بزرگسالی، انتقال بین این دوره مستلزم دو چیز است: یکی غلبه بر ضعفهای دوران کودکی، و دیگری آمادگی برای ورود به عرصه بزرگسالی. یعنی توانایی به دوش کشیدن مسئولیتهایی که در این مقطع وجود دارد در او فراهم شده باشد، فرد هنگامی که با بحران هویت مواجه می شود که بر ضعفهای دوران کودکی غلبه نکرده باشد و آماده پذیرش مسئولیتهای بزرگسالی هم نشده باشد، بدین گونه فرد دچار بحران هویت می شود. زیرا مشخص نیست که این موجود چه موجودی است بزرگسال یا کودک؟ فرد بحران زده نه کودک است و نه بزرگسال. کودک نیست؛ برای اینکه ممکن است قد و قامتی کشیده باشد و جامعه او را به عنوان کودک نپذیرد و بزرگسال هم نیست چون آمادگیها و قابلیتهای لازم را پیدا نکرده است. این وضعیت را بحران هویت میگوئیم. در سنین بعد هم بحران هویت می تواند اتفاق بیافتد و در بیماریهای روانی آشکار گردد. به خصوص در بیماریهایی مثل اسکیزوفرنی که انشقاق شخصیت را در خود دارد و فرد ممکن است به تصور اینکه دو شخصیت متمایز دارد هر زمان به گونه ای در آید گذر از این نقطه اسمش بحران هویت است. وقتی فرد به این نقطه انشقاق شخصیتی برسد، در مرحله گذار در حل بحران است، بنابراین در او بین شخصیتهای متعدد نوسانی وجود دارد، گاهی این نقش و گاهی هم آن نقش را می گیرد، یعنی هنوز اینها از هم گسیخته نشده اند ولی هنگامیکه این فاصلهها زیاد شد و گسیختگیها حاصل شد؛ آن موقع فرد بحران هویت را پشت سر گذاشته، فاقد هویت می شود و بلکه واجد هویت‌های متعدد و متعارفی می شود (ر. د. رلنگ^۱، ۱۹۹۷، ترجمه باقری، ۱۳۸۰).

تناقضی در دوره نوجوانی وجود دارد و آن هم برمی گردد به طبیعت این دوره، یعنی دوره نوجوانی، تناقض این است که جوانان یک دنیای درونی و فردی دارند که آن دنیا، دنیای نسبتاً روشنی است. چون در آنجا احساس می کنند که می توانند تصمیم بگیرند، خودشان تهیه کننده هستند، آرزوهایی دارند و آرزو می کنند که من می خواهم این کاره بشوم. از سوی دیگر، جامعه همانند جنگلی است که نوجوان می خواهد راهش را در آن پیدا کند و مسیرش را مشخص کند که چه کاره است و چه شغلی دارد و اگر تحصیلات می خواهد چه باید بکند بر چه رقبایی غلبه کند، از سد کنکور چگونه بگذرد، اگر خواست ازدواج بکند چه؟ در حالت اجتماعی